زن رمال، درمان کرونا می‌کرد

زن رمال که با ادعای بخت گشایی و درمان بیماری کرونا به کلاهبرداری دست می‌زد، بازداشت شد. سرهنگ توحید فارسی، فرمانده انتظامی شهرستان میانه به سایت پلیس گفت: گزارش‌های مردمی در دستورکار پلیس قرار گرفت مبنی بر این که زنی رمال در شرایط غیربهداشتی اقدامات درمانی از جمله حجامت و زالودرمانی با ادعای درمان بیماری کرونا انجام می‌دهد. تحقیقات در دستور کار پلیس امنیت عمومی قرار گرفت و زمانی که معلوم شد ماجرا صحت دارد، به خانه او رفتند و متهم زن بازداشت شد. وی افزود: دربازرسی از آنجا انواع طلسم و ادوات رمالی کشف شد. متهم دربازجویی پلیسی اعتراف کرد علاوه بر رمالی، با وعده درمان انواع بیماری‌ها از جمله بیماری کرونا که تب آن اکنون در جامعه بالاست، مردم را فریب داده و وانمود می‌کرده اگر حجامت و زالودرمانی را انجام دهند، بعداز یك هفته بیماری کرونای آنها خوب می‌شود. متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

گفت‌وگو با قاتلی که بعد از ۱۳ سال، برای آزادی چشم انتظار خیرین است

۴ بار ملاقات با چوبه دار

فاطمه شیخ علیزاده
گروه حوادث

مرد جوان که از ۱۳ سال قبل به اتهام قتل یك خریدار ضایعات در زندان است، با درخواست اولیای دم پرونده در دادگاه به قصاص محکوم شد. متهم به قتل، چهار بار پای چوبه دار رفت و هر بار با مهلتی که از اولیای دم گرفت فرصتی دوباره برای ادامه زندگی پیدا کرد. اولیای دم به شرط مصالحه حاضر به گذشت از قصاص شده‌اند، اما متهم هنوز نتوانسته شرط مصالحه را اجرا کند. این هفته در «پشت صحنه یک جنایت» پای صحبت‌های این قاتل نشستیم و او از کابوس‌های شب اعدام گفت. به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به پرونده قتل خریدار ضایعات از دی ماه سال ۸۵، با کشف جسد او در بیابان‌های اطراف ورامین آغاز شد و این در حالی بود که خودروی مقتول با فاصله از جسد او رها شده بود. ردیابی آخرین تماس‌های مقتول، ماموران پلیس را به یکی از دوستان او به نام مجید مظنون کرد که آخرین تماس‌ها را با او برقرار کرده بود. از سوی دیگر متواری بودن دوست مجید، ظن ماموران را به او بیشتر کرد. بررسی‌ها حاکی از آن بود که مقداری پول و گوشی تلفن همراه مجید به سرقت رفته و احتمال می‌رفت انگیزه قاتل، سرقت از مقتول بوده باشد. سرانجام یك ماه بعد از وقوع قتل، متهم با معرفی خود به پلیس، به قتل اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل مجید برای یکی از اقوام ما مزاحمت ایجاد کرده بود و روز حادثه با او قرار گذاشتم تا با او در این مورد صحبت کنم، اما با هم بحثمان شد و من عصبانی شدم و از داخل وسایل خود مجید یك تکه طناب برداشتم و آن را دور گلوی مجید پیچیدم و خفه‌اش کردم. بعد برای صحنه‌سازی و وانمود کردن این‌که علت قتل، سرقت از مقتول بوده، گوشی و مقداری پول‌های او را برداشتم. متهم در دادگاه با درخواست فرزندان مجید به عنوان اولیای دم به قصاص محکوم شد و حکم چهار بار تا مرحله اجرا پیش رفت و هر بار با مهلتی که اولیای دم به متهم دادند، او از قصاص نجات پیدا کرد.

حالا ۱۳ سال بعد از این جنایت مجید در گفت‌وگو با جام جم از کابوس‌های شب‌های اجرای حکم در زندان و لذت مهلت اولیای دم می‌گوید. او در حال حاضر چشم انتظار کمک خیرین است تا بتواند عید امسال را کنار خانواده‌اش باشد.

چند سال داری؟

۴۴ سال. وقتی به زندان افتادم دخترم یکساله بود. الان ۱۴ سال دارد و من در این سال‌ها تنها توانسته‌ام عکس او را ببینم.

چرا به ملاقات نیامده؟

دخترم معلول ذهنی و جسمی است. اسمش را خودم انتخاب کرده بودم و محیا گذاشته بودم. محیا یعنی زندگی و تمام زندگی‌ام دخترم است، اما چون مادرش نتوانست در نبود من از او نگهداری کند، او را به بهزیستی سپرده است. در روزهای زندان تنها به این فکر می‌کنم که آزاد شوم و محیا را به خانه بیاورم.

روزهایت را در زندان چطور می‌گذرانی؟

در این سال‌ها روی طراحی یك ژنراتور تولید برق کار کردم و موفق شدم یك نمونه کوچك از این ژنراتور بسازم که می‌تواند یك گوشی موبایل را شارژ کند. من از بچگی به کارهای فنی خیلی علاقه داشتم. پدر و مادرم قالیباف بودند، اما من وقتی به سن نوجوانی رسیدم در کارگاه‌های تراشکاری و قالب‌سازی مشغول کار شدم. سواد زیادی ندارم، اما دلم می‌خواهد بعد از آزادی روی طرح خودم بیشتر کار کنم و نامم در فهرست مخترعان ثبت شود. طرح توجیهی خودم را برای سازمان زندان‌ها هم فرستاده‌ام. در زندان زبان انگلیسی هم یاد گرفتم. بیکار که می‌شوم کاردستی درست می‌کنم. با چوب هواپیما درست می‌کنم و به دوستانم که می‌خواهند آزاد شوند یادگاری می‌دهم. سریال هم می‌بینم. آخرین سریالی که دیدم وارش بود.

زندگی خودت شبیه چه فیلمی است؟

نمی‌دانم، اما چند وقت قبل یك فیلم سینمایی دیدم به نام دهلیز. فکر می‌کردم خانواده من هم در تلاش برای آزادی‌ام اوضاع مشابه آن خانواده را دارند و خیلی منقلب شدم.

از قتل بگو. چه شد که دستت به خون آلوده شد؟

یك لحظه عصبانیت این همه سال عمرم را تباه کرد. حالا تمام تلاشم این است که رضایت اولیای دم را جلب کنم. از کاری که کردم خیلی پشیمانم. در این سال‌ها خیلی شرمنده خانواده‌ام شده‌ام. اولیای دم از ما مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان پول درخواست کرده‌اند. پدر ۹۰ ساله من خانه‌اش را فروخته و خواهر و برادرهایم پول پیش خانه‌هایشان را گرفته‌اند و در ازای آن اجاره بیشتری پرداخت می‌کنند. حالا حدود ۳۰۰ میلیون تومان پول تهیه کرده‌اند. صد میلیون تومان کم دارم تا بتوانم بعد از ۱۳ سال طعم آزادی را بچشم. حالا نمی‌دانم این بار که پای چوبه دار بروم، باز هم به من مهلت می‌دهند یا نه.

چند بار پای چوبه دار رفته‌ای؟

چهار بار. شرایط سوئیت و مراسم قبل از اجرای حکم خیلی ترسناك است. آنجا آدم خودش را در مقابل مرگ می‌بیند و به چیزی جز کارهای خود فکر نمی‌کند، اما هر بار یك کورسوی امید ته دلم بود. قرآن می‌خواندم و از خدا می‌خواستم یك بار دیگر محیا را ببینم. هر بار که طناب دار را می‌دیدم و خودم را در آستانه مردن تصور می‌کردم، یك بار می‌مردم و زنده می‌شدم. آدم هر بار که به سوئیت و پای چوبه می‌رود و برمی‌گردد، انگار پیر می‌شود. یك بار یکی از هم‌بندی‌هایم بعد از این‌که از پای چوبه دار برگشت اندازه یك کف دست موهایش ریخت و دیگر درنیامد.

حرف آخر...

از این وضع خسته شده‌ام. دلم می‌خواهد زودتر بتوانم بقیه دیه را تهیه کنم و آزاد شوم. طاقت ندارم باز هم پای چوبه دار بروم. اگر انسان‌های نیکوکاری یا موسسه‌ای هستند که برای آزادی کمکم کنند، مرا تا آخر عمر شرمنده خود کرده‌اند. حاضرم تعهد بدهم بعد از آزادی حتی خلاف رانندگی هم نکنم.

پشت صحنه یک جنایت

بخشش؛ توصیه همیشگی ما بود

قاضی حسینی کوه کمره ای که چند سال قبل بازنشسته شده است، اولین قاضی رسیدگی به پرونده مجید بود که حکم قصاص را صادر کرد. کوه کمره ای در گفت‌وگو با جام جم در مورد پرونده‌هایی شبیه پرونده مجید گفت: «در ابتدای روند رسیدگی به پرونده‌های قتل، تمام ادعاهای قاتل مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌گیرد. خیلی وقت‌ها انگیزه‌هایی که متهم عنوان می‌کند، در رسیدگی به موضوع قتل بی‌تاثیر است. اما شاید بیان همان انگیزه‌ها و بررسی علت‌هایی که یک متهم را به جایی رسانده که مرتکب چنین مجازاتی و گناهی شود، برای اولیای دم در ترغیب آنها به بخشش بی‌اثر نباشد.»

وی در ادامه گفت: در تمام طول مدت کارم، قبل از این‌که رسمیت جلسه رسیدگی را اعلام کنم؛ از اولیای دم تقاضا می‌کردم که به بخشش و گذشت از قصاص هم فکر کنند. حتی اگر آنها تقاضای مصالحه داشتند در برخی موارد که امید به تنبیه شدن متهم وجود داشت از آنها می‌خواستم اگر برایشان مقدور است به متهم تخفیف بدهند. هر چند مجازات کسی که مرتکب قتل می‌شود در قانون و شرع آمده است اما در همان شرع توصیه‌هایی برای بخشش وجود دارد. اولیای دم در تمامی پرونده‌ها باید این را بدانند که حتی اگر از قصاص گذشت هم کنند، جنبه عمومی جرم و قانون مجازاتی را برای متهم در نظر خواهد گرفت. این تشویق به بخشش به معنای این نیست که جرم را کوچک بشماریم و ارتکاب به گناه بزرگی همچون قتل هرگز نباید در جامعه یک جرم عادی تلقی شود. اما در عین حال نباید به توصیه‌های دینی هم بی‌اعتنا بود.» کوه کمره‌ای در مورد پرونده مجید گفت: «متهم سال‌های زیادی از عمرش را در زندان سپری کرده و اگر بتواند بعد از آزادی برای خانواده‌اش و جامعه مثمر ثمر باشد، گذشت اولیای دم و تخفیف دادن به او خالی از ثواب و لطف نیست.»

۱۳ سال می‌شود دخترم را ندیده‌ام

آزادی جوان اعدامی در گرو ۱۰۰ میلیون تومان پول دیه است

الکل‌های تقلبی، قاتل ۹۳ نفر در ۸ استان

پشت پرده توزیع الکل‌های مرگبار

همه چیز از یک خبر جعلی در فضای مجازی آغاز شد. عده‌ای که در این روزها خود را متخصص درمان کرونا معرفی کرده و هر روز دارویی برای مقابله با این ویروس در شبکه‌های اجتماعی تجویز می‌کنند. این بار دارویی سمی تجویز کردند که نه‌تنها درمان نبود بلکه زودتر از کرونا قربانیانش را از پا انداخت. آنها با این استدلال که محلول‌های پایه الکل قدرت کشتن ویروس کرونا بر روی سطوح و بدن را دارند، مصرف خوراکی الکل برای از بین بردن این ویروس در داخل بدن را تجویز کردند. عده‌ای هم فریب این نسخه را خورده و برای نجات خود از ترس کرونا به سمت مصرف خوراکی الکل رفتند. حال در این بین توزیع‌کنندگان مشروبات الکلی وقتی با این حجم از تقاضا روبه‌رو شدند، دست به کار شده و به خاطر نبود اتانول سراغ متانول رفتند و برای پرکردن کیسه‌ای که از این نسخه دوخته بودند با جان مشتریان خود بازی کردند. پلیس خوزستان در چهار روز گذشته ۱۷ نفر از افرادی که اقدام به تولید و توزیع الکل‌های تقلبی می‌کردند را شناسایی و دستگیر کرد. اما با این وجود از عصر سه‌شنبه موج جدیدی از بیمارانی که با الکل‌های تقلبی مسموم شده بودند، به بیمارستان‌های این استان منتقل شدند. به گفته پزشکان الکل‌هایی که این بیماران مصرف کرده بودند سمی‌تر از بیمارانی است که در چند روز گذشته به مراکز درمانی مراجعه کرده بودند.

مسمومیت مرگبار با متانول

عباد که سه نفر از هم‌محلی‌هایش در اهواز را به خاطر مصرف الکل‌های تقلبی از دست داده است، می‌گوید: از هفته گذشته شایعه‌ای منتشر شد که مصرف الکل به صورت خوراکی باعث از بین رفتن ویروس کرونا در بدن می‌شود. تعدادی فریب این شایعه را خورده و برای نجات جانشان و از ترس کرونا الکل خوردند. توزیع‌کنندگان الکل‌های دست‌ساز اقدام به توزیع الکل‌های تقلبی کرده و این موضوع باعث انتقال افراد زیادی به بیمارستان‌ها شد. دوستان من از فردی الکل را به صورت پلمب شده خریده بودند اما بعد از ساعتی از مصرف آن حال یکی از آنها بد می‌شود و دو نفر دیگر او را به بیمارستان می‌رسانند. در بیمارستان وضعیت جسمانی دو هم‌محلی دیگرم نیز بد شده که پزشکان برای نجات جان این سه نفر خیلی تلاش کردند اما آنها دو روز بعد جان خود را از دست دادند. آن‌طور که پزشکان به خانواده قربانیان گفته‌اند مسمومیت با متانول علت مرگ آنها بوده است. خانواده‌های زیادی داغدار جوانان خود به خاطر سودجویی توزیع‌کنندگان الکل شدند و این افراد به‌راحتی با جان مردم بازی می‌کنند. به همین خاطر از دستگاه قضایی و پلیس درخواست دارم با این دلالان مرگ و شایعه‌سازان برخورد جدی کند.

تلفن فروشنده، خاموش است

کامران دیروز از بیمارستانی در اهواز مرخص شد و زمانی که با او تماس گرفتیم در آزمایشگاه منتظر جواب نهایی آزمایش‌هایش بود. می‌گوید: پزشکان بعد از معاینه من احتمال می‌دادند به خاطر مسمومیت شدید با متانول نابینا شوم. من یک شیشه الکل صنعتی را از مردی به جای الکل خوراکی و با مارک خارجی خریدم. اما حدود شش ساعت بعد از خوردن آن حالم بد شد. بدنم توانش را از دست داده بود و تهوع شدید داشتم. خانواده‌ام مرا سریع به بیمارستان منتقل کردند و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدم. در دو روز اول چشمانم فقط سیاهی می دید اما از روز دوشنبه بینایی‌ام برگشته و می‌توانم اطرافم را ببینم. کامران بعد از این‌که مرخص شد چند بار با فروشنده الکل تماس گرفت اما تلفنش خاموش بود. «اغلب افرادی که در بیمارستان بستری بودند جوانان حدود ۳۰ ساله هستند که فکر می‌کردند با خوردن الکل بدنشان را ضد کرونایی می‌کنند. آنطور که من متوجه شدم الکل سفید در داروخانه‌ها نیست و توزیع‌کنندگان با مخلوط کردن وایتکس در الکل صنعتی رنگ آن را سفید کرده و به جای الکل خوراکی می‌فروشند. خیلی شانس آوردم که حالا زنده هستم و با شما صحبت می‌کنم.» با توجه به بستری شدن بیش از ۵۰۰ نفر در استان خوزستان، شمار قربانیان الکل‌های مسموم در این شهر هر لحظه در حال افزایش است و تاکنون ۴۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. این افراد از ۱۶ اسفند امسال به بیمارستان منتقل شده و میانگین سنی آنها ۳۴ سال است. کم سن‌ترین فوتی ۱۵ ساله و پیرترین آنها ۷۲ ساله هستند. از سوی دیگر، آمار مرگ و میر الکل مسموم همچنان به موازات شمار قربانیان مبتلا به کرونا در حال افزایش است و مشروبات الکلی مسموم در روز گذشته ۲۲ قربانی دیگر گرفت. همزمان با افزایش قربانیان الکل‌های تقلبی در خوزستان، استان‌های دیگری نیز نامشان در فهرست محل‌های توزیع الکل‌های تقلبی قرار گرفت. یکی از استان‌هایی که با وضعیت بحرانی مواجه است، استان مازندران است که الکل‌های تقلبی در آنجا قاتل ۱۲ زن و مرد شده است. علی عباسی؛ مدیرکل پزشکی قانونی استان مازندران در این باره گفت: ۱۱ مرد و یك زن بر اثر مسمومیت الکلی جان خود را از دست داده‌اند و این آمار در ایام مشابه سال‌های قبل بی‌سابقه است. در حالی که نام استان مازندران در فهرست استان‌هایی قرار گرفت که مورد فوتی با مسمویت الکلی دارند، اما در تهران آمار امیدوار کننده‌تر از روزهای قبل گزارش شد. دکتر شاهین شادنیا، مدیر گروه و رئیس بخش مراقبت‌های ویژه مسمومین بیمارستان لقمان حکیم در گفت‌وگو با جام جم عنوان کرد تعداد مراجعان و قربانیان با مسمومیت الکلی رو به کاهش است. او گفت: «با همکاری رسانه‌ها و اطلاع رسانی به مردم، خوشبختانه در دو روز اخیر شاهد کاهش مراجعین مبتلا به مسمومیت الکلی بوده ایم و همچنین شیب نمودار آماری قربانیان مسموم روند کاهشی دارد. تهران روز گذشته یك مورد قربانی ناشی از مصرف الکل داشته است.»

همچنین طی دو روز اخیر، اردبیل ۴۰ بیمار مسموم با الکل را در بیمارستان‌های خود جای داده است. دکتر روزبه مقدم، مدیریت درمان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، روز گذشته در گفت‌وگو با جام جم درباره وضعیت فعلی بیماران مسموم و تعداد قربانیان گفت: «طی دو روز گذشته موج بستری بیماران مسموم با الکل در بیمارستان‌ها به راه افتاده که حال عده‌ای از این بیماران وخیم گزارش شده است. فقط در روز گذشته ۱۲ بیمار مسموم در بیمارستان بستری شده اند و مسمومیت الکلی وضع بینایی چند بیمار را به مخاطره انداخته است و احتمال می‌رود آسیب جدی به بینایی آنها برسد. در این بین چهار بیمار هم جان خود را از دست داده اند که این آمار نسبت به روز گذشته یك نفر اضافه شده است.» دکتر مقدم افزود: «مردم باید دقت داشته باشند که اگر ویروس کووید-۱۹ وارد سیستم گوارشی آنها شود با اسید معده از بین می‌رود و تنها در صورتی باعث بروز بیماری می‌شود که این ویروس وارد دستگاه تنفسی فرد شود. بنابراین مصرف الکل به هر شکل و صورتی هیچ تاثیری بر ویروس کرونا نخواهد داشت.» با مرگ ۴ نفر دیگر در استان البرز تعداد قربانیان به ۱۵ نفر افزایش یافت. سه نفر در این خصوص بازداشت و ۴۰۰۰ لیتر مشروبات الکلی شامل ۲۸۰۰ لیتر مشروب الکلی تقلبی با مارك یکی از شرکت‌های تولید نوشیدنی مطرح کشور و ۱۲۰۰ لیتر الکل تقلبی کشف و ضبط شده است. مشروبات الکی تقلبی تا عصر دیروز در هشت استان خوزستان، تهران، البرز، مازندران، کردستان، اردبیل، مرکزی و کرمانشاه جان ۹۳ نفر را گرفته و بیش از ۵۰۰ نفر را راهی بیمارستان کرده است.

یک هفته زندگی پدر و مادر با جسد پسرشان

زوج جوانی که پسر خردسال خود را به قتل رسانده وجسد وی را در صندوق عقب خودرو گذاشته بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ کیومرث حسنوند، سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری تهران بزرگ به جام جم گفت: ساعت ۵ صبح چهارشنبه بیست و یکم اسفند امسال مرد جوانی با حضوردر کلانتری شهرک ولی‌عصرتهران مدعی شد که هفته گذشته پسر ۳ ساله‌اش را کشته و جسد او را در صندوق عقب خودرویش نگهداری می کند. با توجه به گفته‌های او، ماموران خودروی تیبا سفیداش را بازرسی کردندوجسد پسر خردسال - ابوالفضل - که کبودی روی صورت او وجود داشت و نشان از مرگ او می داد کشف شد.

وی افزود: مرد جوان بازداشت و مورد تحقیقات پلیسی قرار گرفت. او در جریان تحقیقات گفت که وقتی فرزندم به دنیا آمد معلولیت جسمی و بیماری کلیوی و داخلی داشت و چون شرایط سختی پیدا کرده بود، او را جلوی در بهزیستی رها کردیم تا در آنجا به او رسیدگی شود اما دو ماه قبل مسؤولان بهزیستی ما را شناسایی کردند و تحویلمان دادند.

حسنوند ادامه داد: سه شنبه هفته گذشته پس از مشورت با همسرم او را کشتیم. در این مدت نمی دانستم با جسد پسرم چه کنم. عذاب وجدان دیوانه ام کرده بود تا این‌که تصمیم گرفتم خودم را تسلیم پلیس کنم. با اعتراف متهم پرونده، مادر او نیز که از ماجرای قتل فرزندش با خبر بود و نقش قتل را طراحی کرده به کلانتری احضارشده و در جریان تحقیقات گفته های شوهرش را تائید کرد. متهمان در بازداشت به سر می برند و برای ادامه تحقیقات تحویل ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران شدند.

ادعای ۲ مرد برای اثبات تنها ولی‌دم مقتول

بعد از قتل زن میانسال در خانه‌اش و متواری بودن قاتل، دو پسر جوان با حضور در دادسرای جنایی تهران مدعی شدند تنها ولی‌دم مقتول هستند. بنابراین با دستور بازپرس جنایی تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از اثبات ادعای این دو وارث آغاز شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، اوایل بهمن ۹۶ ماموران کلانتری نامجوی تهران در تماس تلفنی زنی باخبر شدند که بوی نامطبوعی از خانه زن میانسال همسایه‌شان به مشام می‌رسد اما هرچه در خانه او را به صدا درمی‌آورند پاسخگو نیست و گمان می‌کنند بلایی سر او آمده باشد. ماموران کلانتری به محله نامجو رفته و وارد خانه مورد نظر شدند. تحقیقات اولیه نشان می‌داد صاحبخانه خارج از کشور است و زن میانسال که مدتی است در آنجا زندگی می‌کند در را باز نمی‌کند. با توجه به مشکوک بودن ماجرا، موضوع به آتش‌نشانی گزارش شد و آتش‌نشانان در آنجا حاضر شدند و بعد از شکستن در وارد خانه شدند. در بررسی اولیه متوجه به‌هم‌ریختگی خانه در حالی شدند که جسد او را در اتاق نشیمن در حالی یافتند که آثار ضرب و جرح روی سر و بدنش بود و حتی چاقویی نیز به کتف او اصابت کرده و دسته آن بیرون از کتف قرار داشت. معلوم شد که چهار شبانه‌روز از مرگ آن زن گذشته است. این در حالی بود که با انتقال جسد به پزشکی قانونی چند روز بعد کارشناسان آنجا نظر دادند که او به قتل رسیده است. در ادامه جسد به خانواده‌اش تحویل و به خاک سپرده شد. اما ماموران موفق به شناسایی شوهر و فرزندان احتمالی او نشدند. پلیس همچنان در جست‌وجوی قاتل فراری بود تا این‌که با گذشت بیش از دو سال از این جنایت، هفته گذشته مرد ۳۲ ساله‌ای با آمدن نزد مصطفی واحدی، بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران مدعی شد که مقتول مادرش است و اکنون می‌خواهد به‌عنوان تنها ولی‌دم و وارث او پیگیر پرونده شود و اموال و املاکی که متعلق به مادرش بوده را تحویل بگیرد.

وی در جریان تحقیقات قضایی به بازپرس پرونده گفت: «زمانی که خردسال بودم، پدرم فوت شد و مادرم که نمی‌توانست از من نگهداری کند رفت و سرپرستی‌ام را خانواده پدری‌ام بر عهده گرفتند و نزد عمه‌ام بزرگ شدم. در آن سال‌ها گمان کردم که مادرم فوت شده و با خاطراتش زندگی می‌کردم تا این‌که چهار سال پیش عمه‌ام به من گفت که مادرم زنده است و به بیماری سرطان مبتلا شده و قصد ملاقات با مرا دارد که بعد از چند ماه قبول کردم. ابتدا تلفنی و بعد چند بار حضوری مادرم را دیدم. مدتی نزدش رفتم و با هم زندگی می‌کردیم.»

مرد جوان افزود: «چون دچار اختلاف و درگیری با هم شدیم برای همیشه او را ترک کردم و دیگر از وی خبر نداشتم تا این‌که از طریق یکی از اقوام متوجه شدم او فوت شده و برای پیگیری به محل زندگی‌اش رفتم که در گفت‌وگو با همسایه‌ها متوجه شدم او به قتل رسیده است. من تنها وارث و ولی‌دم او هستم. هر چه اموال و املاک داشته باشد باید به من تعلق گیرد.»

با توجه به ادعای او دستور تحقیقات در این باره به پلیس صادر شد تا این‌که چند روز پیش مرد دیگری که ۳۰ ساله بود نزد بازپرس پرونده آمد و ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: «مقتول مادرم است. زمانی که یک ساله بودم، والدینم از هم جدا شدند و مادرم را دیگر ندیدم، پدرم سرپرستی مرا گرفت و با هم زندگی می‌کردیم. در این سال‌ها فکر می‌کردم مادرم فوت شده است. چند سال پیش که پدرم فوت کرد متوجه شدم مادرم زنده بوده و جست‌وجو کردم تا آخر سال ۹۴ او را یافتم و یک سال با او زندگی کردم اما بعد از آن دچار مشکلات و اختلاف‌هایی با هم شدیم که او را ترک و مستقل زندگی کردم و دیگر خبری از او نداشتم تا این‌که چند روز پیش هنگام جست‌وجوی نام یکی از اقوام فوت‌شده نامی مشابه مادرم در میان افراد متوفی ثبت شده بود که بعد از جست‌وجوی فراوان متوجه شدم ماجرا صحت دارد و مادرم به قتل رسیده است. من تنها وارث مادرم هستم و هر چه میراث و املاک دارد باید به من تعلق گیرد.»

با توجه به ادعای این دو مرد جوان که می‌گویند مقتول مادر آنهاست، با دستور بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران، ماموران پلیس آگاهی قرار شد ابتدا از اداره ثبت اسناد استعلام کنند که آیا مقتول اموال دارد یا نه و بعد در ادامه از ثبت احوال استعلام کنند تا مشخص شود که مقتول چند بار ازدواج کرده، شوهران او زنده‌اند یا نه و نیز دو پسری که مدعی‌اند فرزند او هستند واقعا صحت دارد یا نه و کدام یک فرزند واقعی اوست؟ این در حالی است که پلیس جنایی پایتخت هنوز با گذشت بیش از دو سال از این جنایت موفق به شناسایی و بازداشت قاتل فراری نشده است.